

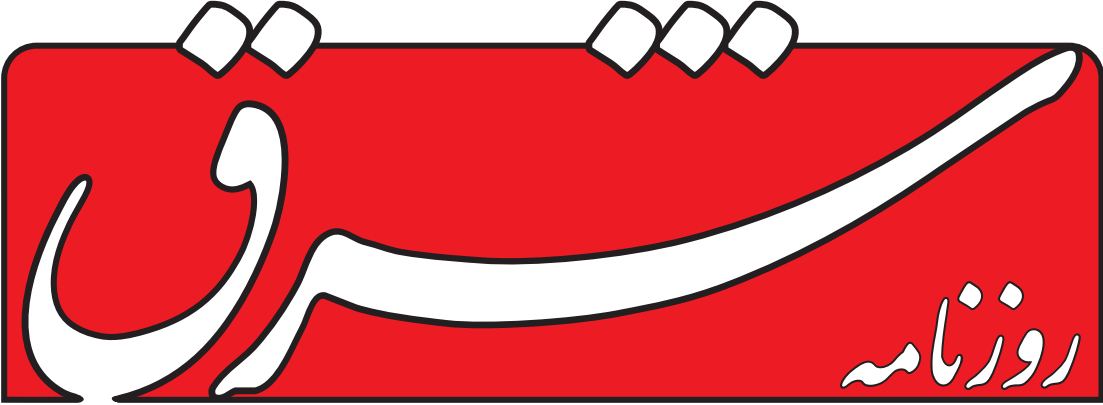
به بهانه مرگ رابرت مک فارلین؛ بازخوانی ماجرای خرید سلاح از آمریکا در زمان جنگ ایران و عراق باز خوانی شد

مجرمانه‌های

یک معامله تاریخ‌ساز

رابرت مک فارلین درگذشت؛ مأمور مخفی ای که در خلال مأموریتش برای فروش مخفیانه اسلحه به تهران در میانه‌های جنگ ایران و عراق با هدف آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان وارد کارزاری شد که به رسوایی کنترا و ایران‌گیت در آمریکا مشهور شد و او را برای همیشه بازنشسته کرد…

صفحه ۳



یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۱۳ شوال ۱۴۴۳ • ۱۵ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: آرد و قصه قاچاق!، قیمت خودرو سقوط می‌کند؟، افسردگی و خودکشی از مشکلات کودکان مبتلا به ایدز است و یادداشت‌هایی از فریدون مجلسی، احسان هوشمند، ابوالقاسم دلفی، علی بیگدلی

نگاهی به تکلیف‌های بودجه‌ای که صدور پروانه پزشکان یا تمدید آن را در سال ۱۴۰۱ منوط به عقد قرارداد با بیمه‌ها کرده است

درمان خصوصی در خط پایان

گزارش تیتربیک را در صفحه ۱۰ بخوانید

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» راهکارهای اجرای بهینه‌تر حذف ارز ترجیحی را ارزیابی کردند

بایدها و نبایدهای یک تحول اقتصادی

۲ پناهندگی، مهاجرت و استعفاي مشكوك

چرا زنان با «رئیس» نمی‌مانند؟

۹ قهرمانی استقلال در لیگ برتر بعد از ۹ سال

حوالی ساعت صفر تهران آبی شد

۱ یادداشت روزنامه‌نگاران

۲ سیاست بی‌وفاست حتی برای رئیسی؟

۱



فیلم تظاهرات گسترده چند صد هزارنفری همراه با شعار توفنده «بازرگان بازرگان حمایت می‌کنیم» تهران هنوز در آرشپو صداوسیما هست. شعار «بنی‌صدر صدرصد» هنوز بر برخی خرابه‌ها و محله‌های قدیمی شهر هست. شعار «مخالف هاشمی، دشمن پیغمبر است» هنوز در ویدئوهای مربوط به نماز جمعه در دانشگاه تهران ضبط است. شعارهای جامعه مدنی خاتمی و شعار عدالت‌خواهی احمدی‌نژاد و شعار برجامی حسن روحانی نیز همچنان بر حافظه‌مان سنگینی می‌کند.چه بر سر بازرگان آمد؟ او را با شعار لیبرال آمریکایی بدرقه کردیم. بنی‌صدر را هم با فریاد «سپهسالار پینوشه، ایران شیلی نمی‌شه» به تاریخ سپردیم. میرحسین موسوی هم گرچه دوره نخست‌وزیری را به سلامت گذراند، اما در قضایای ۸۸ حساسپاش جور دیگری تمام شد. خاتمی و روحانی را هم با انگ وابستگی و غرب‌زدگی پایگانی کردیم. سرنوشت احمدی‌نژاد، اما متفاوت بود. او را چنان نمایاندم که گویی فرستاده خدا است و منجی ملت. قصه هاله نورش را نقل محافل کردیم. برای رای آوردنش نذر کردیم و یکی از بزرگان گفت طلای همسرش را برای تبلیغات انتخاباتی او فروخته است. خلاصه آنکه بلند آسمان، جایگاه او بود، یارانه را گویی از امام زمان گرفته بود و دست‌گردان کرده بود و به ملت می‌داد. ناگهان، اما ورقش برگشت و به اسفل‌سافلین و دره جریان انحرافی سقوط کرد و حلام هم ادای ضدانقلاب‌های خارج‌نشین را درمی‌آورد اما حتی با چیخ‌های «آژان منو بگیر» کسی کارش نداد.

حالا آقای رئیسی آمده است. بسیاری از علمایی که احمدی‌نژاد را تحویل گرفتند، از تـرس تکرار اتفاق مشابه، ظاهرا پشتش درنیامند؛ اما بسیاری از چهره‌های سیاسی اصولگرا و نیز امامان جمعه (به‌خصوص امام جمعه محترم مشهد) به هر شکل هوایش را دارند. این روزها بحث پارانها داغ است، صدای منتقدان بسیار ضعیف است و از طرف مقابل، بلندگوی تعریف و تمجید، پرسروصداست. باران سنگ است که بر دولت قبیل می‌بارد و توفان خشود و رضایت است که بر دولت سیزدهم می‌وزد. اما…

اما نه گمان کنید که هاشمی آماج حمله کسانی واقع شد که به او رای ندادند. نه، اتفاقا همان‌هایی که دشمن او را دشمن پیامبر می‌دانستند، او را هو کردند. بنی‌صدر و بازرگان هم همین‌طور. خاتمی و روحانی هم مورد طعن بخشی از اصلاح‌طلبان قرار گرفت و از همه بدتر، احمدی‌نژاد مورد ناسزاهای همان کسانی قرار گرفت که وقتی در سال ۸۴ رای آورد برایش تیترزدهند «ملت کار را تمام کرد»، همان کسانی او را منحرف خواندند که او را عکس‌برگردان رجایی معرفی کردند.

این روزها که تیتز سخـرنانی‌ها و مقالات عزیزان اصولگرا را در حمایت بی‌پن‌وچرا از آقای رئیسی می‌بینم حق ندارم به سبیاق گذشته قیاس کنم؟ دولت رئیسی حتی از دولت (اول) احمدی‌نژاد قیراق‌تر و سرخال‌تر نیست.

ادامه در صفحه ۵

روایت احمد غلامی از آدم‌ها و مکان‌ها:

بهمن فرمان‌آرا

مادر

شرق: نشانی تئاتر سعدی را دنبال نمی‌کنم. این تئاتر همان سینما سعدی است که در خیابان شاه‌آباد قدیم، جمهوری فعلی می‌بایست باشد که نیست. هم سینما سعدی مکانیتش را از دست داده و هم تئاتر سعدی، و الان آتجا یک پردیس سینمایی جایش ساخته‌اند. تئاتر سعدی قدیمی‌تر از سینما سعدی است.

صفحه ۱۱



● عکس: سهند تاجی، شرق

در حال رفت‌وآمد هستند. بلشبو به معنای واقعی کلمه در اینجا جاری است. دم در هر خانه یکی، دو لکن گذاشته‌اند و چند نفری -زن و پچه- دورش نشسته‌اند و باقالی‌های داخلش را پاک می‌کنند. این مهم‌ترین کار فصلی زنان خانه در بهار و تابستان است. سلامت مردم دره اما از ابعاد مختلف در خطر است. اتاقک مخصوص هواگیری فاضلاب که شب‌ها روشن می‌شود، نه‌تنها بوی تعفنی ایجاد می‌کند بلکه حتی بستن در و پنجره‌ها هم چاره کار نیست و باعث ایجاد مشکلات تنفسی برای ساکنان مسن‌تر و برخی از کودکان شده است. از سوی دیگر، آب آلوده سبب شده تا خیلی از زنان ساکن دره مدام با بیماری عفونی دستگاه تناسلی مواجه شوند. اینجا برای رهن یک خانه ۵۰ متری باید ۱۰۰ میلیون تومان پول بپردازید. خانه‌ای که به وقت باران محل تجمع فاضلاب می‌شود، به آب شرب وصل نیست و در کنار دکل برق فشار قوی به وقت باران و رعدوبرق می‌تواند به‌سادگی با خاک یکسان شود.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید



از بزرگراه آزادگان که مستقیم به سمت چهاردانگه بروید، پس از خیابان پیروزی، بین توحید و پیامبر به مقصد این گزارش خواهید رسید؛ مرتضی‌گرد؛ جایی که اگرچه نامش شهرک است، اما با دهیاری مدیریت می‌شود. خیابان اصلی تفاوت چندانی با سایر محله‌های حوالی تهران ندارد، اما کافی است از ساکنان محله آدرس «دره» را بگیرید. آن‌وقت در همان حال که وارد یک شیب تند می‌شوید، فضای اطراف‌ان نیز تغییر خواهد کرد. دیگر خبری از آپارتمان‌های چندطبقه نیست.

آسفالت آتجا تعریفی ندارد. در حاشیه مسیری که قدم می‌زنید، جوی آبی مملو از فاضلاب و ضایعات شهری، هم چشم‌ها و هم شامتان را می‌نوازد. هر طرف را نگاه کنید، زنان و مردانی با دبه‌هایی در دست

یادداشت

دولت ودانش مبارزه با فساد



ناصر داگری
کارشناس اقتصادی

دوشنبه‌شب گذشته رئیس جمهوری در گزارشی خطاب به مردم از جدیت دولت در امر مبارزه با فساد، لزوم هماهنگی همه نهادها و

دستگاه‌ها و نیز اصلاح ساختارها برای افزودن بر شانس پیروزی در این میدان سخن گفت. وی در فرازی دیگر از سخنان خود به این نکته اشاره کرد که دولت برای انتخاب بهترین و کارآمدترین سیاست‌ها و تدابیر در میدان اقتصاد با اقتصاددانان و کارشناسان در ارتباط است و تلاش می‌کند از نظرات همه نخبگان و صاحب‌نظران استفاده کند. توجه به نظرات کارشناسان و استفاده از ذخیره دانش و خرد جمعی در میدان سیاست‌گذاری اقتصادی از جانب هر دولتی صورت بگیرد، اقدامی بسیار ارزشمند و شایسته تقدیر است. زیرا بی‌تردید راه نجات کشور و معبر خروج از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی پناه‌یبردن به خرد جمعی و ذخیره کارشناسی جامعه است. البته نگاشته‌ی پیداست که این اصل خدشه‌ناپذیر در میدان مبارزه با فساد نیز حاکمیت دارد. مبارزه با فساد زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که بر پایه اصول کارشناسی و دانش مرتبط انجام شود. ازاین‌رو دولتمردان باید به این نکته توجه داشته باشند که نه‌تنها در میدان سیاست‌گذاری اقتصادی بلکه در میدان مبارزه با فساد نیز نیازمند استفاده از دانش و تجربه کارشناسان و نخبگان مرتبط هستند. مبارزه با فساد بدون توجه به اصول علمی و کارشناسی این مبارزه در سطح شعارهایی زیبا ولی غیرعملی باقی خواهد ماند. حال با پذیرش این گزاره که دولت برای طراحی سیاست‌های سنجنیده و اثربخش در میدان مبارزه با فساد نیازمند توجه به رهنمودهای اهل فن در این میانه است، با توجه به تجربیات جهانی و یافته‌های اهل فن می‌توان چند نکته ابتدایی را که باید در تدوین برنامه فسادستیزی مورد توجه قرار

۲- تولد مجالس قانون‌گذاری ماهیتا به‌گونه‌ای بوده است که

مجلس باید کارخانه ملی تولید قدرت رسمی باشد؛ یعنی جایی که «قدرت اجتماعی» به «قدرت رسمی» تبدیل می‌شود و این نکته‌ای ظریف و بسیار مهم است. در نتیجه پویایی چنین کارخانه‌ای، حاکمیت ملی هر لحظه نو به نو می‌شود. اینکه تلاش بسود این کارخانه دچار کژکارکردی شود و تولید قدرت نکند، خطری بزرگ برای سیستم سیاسی است. تعطیلی این کارخانه یعنی عقیم‌شدن «امر سیاسی» در ایران. چنین وضعیتی راه را برای گسترش بازار زرد و سیاه قدرت باز می‌کند و فعالیت‌های پنهان و درگیری‌های سیاسی را گسترش می‌دهد.

۳- مجلس در ایران از چند سو با رقابت نهادی مواجه است: مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی و… هر یک از اینها به‌گونه‌ای عملا در حال قانون‌گذاری هستند و همان وظیفه مجلس را انجام می‌دهند. چند سال است که از این پدیده به «سو‌مصرف نهادی» (institutional overdose) یاد کرده‌ام و خطرات آن را برشمردام. تداخل و تکتز نهادی سبب شده است که قدرت قانون‌گذاری مجلس به حاشیه رود و بلکه به سستی گراید تا جایی که در برخی امور اساسا آن را جدی نگیرند. این بدان معناست که حتی کارکرد مشورت فکری آن هم از درجغ بیرون است. مجلس، دیگر حتی یک محفل فکری-اندیشه‌ای هم نیست.

۴- مجلس با رقابت سیاسی نیز مواجه است که مهم‌ترین آنها «نظارت استصوابی» و پدیده «فرامجلس» است. نظارت استصوابی عملا یک «نهاد رویه‌ای» است که کارکرد سیاسی مجلس را به‌صورت زیربنایی به مهمیز درمی‌آورد و گشنگران عرصه سیاسی را به اقتبایی از هم‌وطنان کاهش می‌دهد. پدیده «فرامجلس» نیز سبب می‌شود که مجلس بخش‌های واقعی قدرت اجتماعی را نمایندگی نکند. در نتیجه «لای»‌های بیرونی «لایی» می‌کشند و بر شکل‌گیری دستور کار مجلس اعم از استصباح، تحقیق و تفحص، از دستور کار خارج‌شدن یک طرح و… تأثیرگذار هستند.

۵- رجال سیاسی مهم‌ترین «تولیدات» مجلس و سرمایه اصلی آن هستند. مجالس به‌تدریج رجحان سیاسی را پرورش می‌دهند. رجل سیاسی آن کسی است که در هنگامه‌های بحرانی در زندگی سیاسی یک ملت به کار می‌آید و امواج مهیب را کنترل می‌کند و به سامان درمی‌آورد. نکته مهم این است: رجل سیاسی آن کسی است که بخش مهمی از بار توفان‌های سیاسی را بر دوش می‌کشد. نمی‌توان و نباید همه بار سنگین منازعات اجتماعی را به راس و بطن حکومت‌ها و به پایه‌های نظام سیاسی و حاکمیت ملی کشاند.

ادامه در صفحه ۵